



گل آقا (کیومرث صابری)

طنز پردازی متعهد و فهیم

رضا احمدی زمانی

اشاره :

دوازدهم اردیبهشت ماه سال جاری (۱۳۸۳) یکی از محبوب ترین و معروف ترین چهره های عرصه طنز متعهد دهه های اخیر کشور، به دنیای باقی پرکشید. بازتاب وسیع این واقعه غم انگیز در مطبوعات و دیگر رسانه های ایران اسلامی، جدای از جایگاه برجسته و کم نظیر این ادیب فرزانه، حکایت از وسعت آندوهی داشت که بی گمان روح تمامی کسانی را که به نوعی با ادبیات ویژه گل آقا مانوس بودند می افسرد. در پاس داشت یاد، نام و خاطره آن عزیز سفر کرده، ویژه نامه مطبوعات «نشریه پیام بهارستان» با ارائه این مختصر به تجلیل او می اندیشد.

کرده و دیپلم گرفت و همان سال در رشته علوم سیاسی دانشکده حقوق دانشگاه تهران پذیرفته شد. همزمان با تدریس در دبستان و دبیرستان، به ادامه تحصیل پرداخت و با پشتکاری که داشت پس از گذشت چهار سال لیسانس حقوق سیاسی خود را از دانشکده حقوق دریافت کرد.

قطعه شعر « یتیم » که یک غزل هشت بیتی است، اولین اثر صابری است که بین سال های ۱۳۳۶ . ۱۳۳۹ در مجله امید ایران به چاپ رسید.

در سال ۱۳۴۰ و به هنگام تحصیل در دانشکده در جریان تظاهرات دانشجویی مضروب و دستگیر شد. ^۲ صابری این جریان را چنین تعریف کرده است : «در سال تحصیلی ۴۱ - ۱۳۴۰ در رشته علوم سیاسی دانشکده حقوق دانشگاه تهران مشغول بودیم که برای یکی از تظاهرات دانشجویی دستگیر شدیم . . . در همین هنگام (در حین تظاهرات) نمی دانیم چطور شد که یک چوبی، چماقی، ابزار لازمی،

کیومرث صابری (گل آقا) معلم، ادیب و طنز پرداز معاصر، هفتم شهریور ۱۳۲۰ در صومعه سرا از شهرهای استان گیلان چشم به جهان گشود. پدرش کارمند وزارت دارایی و اهل رشت بود که در سال ۱۳۱۷ به اداره دارایی صومعه سرا منتقل، و یک سال بعد با سیده ربابه ازدواج کرد، حاصل این ازدواج، یگانه فرزندشان کیومرث صابری بود. پس از تولد کیومرث، پدرش به دارایی فومن منتقل می شود و چند ماه بعد در همان شهر از دنیا می رود.

صابری تحصیلات دبستانی و دبیرستانی خود را در فومن گذراند. در کنار تحصیل و برای کمک به خانواده، ابتدا در یک مغازه خیاطی و سپس در یک تعمیرگاه دوچرخه به کار مشغول می شود. ^۲

در شانزده سالگی، در امتحان ورودی دانشسرای کشاورزی ساری پذیرفته شد. و در هجده سالگی (۱۳۳۸) به عنوان معلم دبستان در روستایی به نام « کسما » از توابع صومعه سرا به کار تدریس پرداخت. بیست ساله بود که در آزمون رشته ادبی، به طور متفرقه شرکت



■ صفر شنبه :

در اطراف موضوعی که فعلاً بادم زیست می‌بوده (۱) بایکی از دوستان حرف شد . رفیق گفت :

سندبغی میدم که اگر حرفت درست بوده، ده هزار تومن بهت جایزه میدم! گفتم : مرد حسابی ، تو تمام درآمد یکسال ده هزار تومن نمیشه ، اونوقت چه جوری میخوای اینقدر بمن جایزه بدی! گفت : چه جوری نداره ، پس اون یکتالی که تو هم سرمایه‌تون پونصد هزار تومنه، اونوقت چندمیلون تومن جایزه میدی ، چیکار میکنی !!

■ يكشنبه :

يكي از دانشمندان ، تصميم گرفته است که در شرایط آزمایشگاهی «انسان» بوجود بیورد .

مسلماً برای این کار، سالها وقت و میلیونها پول صرف خواهد شد، درحالیکه همین «انسان» را آذمهای شهر دانشمند در شرایط غیر آزمایشگاهی میسازند... کمتر هم خرج می‌کنند و ۹ ماه بیشتر هم طولش نمیدهند ! پس چه میگویند که دانش بفری بیشتر کرده است !!

■ دوشنبه :

تکه وزوزون میلی، با شروع فصل تازه، کب «پهلوانی» و مسابقه با جایزه گرفته است . در هر ساعت از شبانه روز ، هر کجا نالی را بگیري یادارد بر نامه «پهلوانی» بخش می‌کند یا مسابقه با جایزه .
خدایي شده که این وسطها، آهنگهای تبارکی به داد تماشاچیان محترم میرسد ، والا معلوم نبود با اینهمه پهلوان بازی و جایزه‌بازی، چیکار می‌کردند!

■ سه‌شنبه :

يكي از مجلات نوشته بود که امر آمریکا و متحدینش در ویتنام می‌چنگند، بخاطر «هدفهای سیاسی» خودشان است ! ویت‌کنگها چرا چنگ می‌کنند!

دردم فی الواقع حق بجانب ایشان است . چون عقیده ایشان : خانه و کاشانه و زمین هم چیزی است که آدم بخاطر دفاع از آن ، با آدم صلح - طلبی مثل عمو سام در بیفتد و مانع رسیدنش به هدفهای سیاسی‌اش بشود ! بالاخره «هدفهای سیاسی» گفته اند... برنگ چندر که گفته اند!

■ چهارشنبه :

«پنده زاده» هیچ عادت بدی ندارد، لایانکه اخبار آنچنانی روزنامه‌های رکن چهارم مشروطیت ! را مطالعه می‌کند. از جمله همین دیروز می‌رسید: «روزنامه‌ها نوشته‌اند که صدر اعظم گفته : «بعضی‌ها سالم نویسی می‌کنند و بعضی‌ها ناخوش نویسی» میخوام بدونم فرق شون چه؟
گفتم : «سالم نویسی» اینه که آدم چیزی بنویسه آثار و سر حال بیاره... ولی اسمی برای ناخوش آید باشه و ناخوش نویسی نامداره!

■ پنجشنبه :

گفت : در قدیم ، جوانها پدر مادرشان را برای خواستگاری میبردستند. حالا با تکفیل کلوب زنشولی زن روز، تکفیل این سنت قدیمی چه میشود!

گفتم : مطابق مد روز تغییر شکل میدهد!

گفت : مثلاً اگر پدر جوانم خواست زن بگیرد باید چیکار کند!

گفتم : حق الزحمه خانم رئیس کلوب را بدهد، تمام کارها نیصاعت راهسورس میشود.

■ شش‌شنبه :

زنی که ادعا میکرد بچه‌اش در شکمش «حرف می‌زنه» دستگیره.

بالاخره «حرف‌زدن» اینجور در سرها راهم دارد. لابد طفلکی خیال کرده بود چون توی شکم مادرش قایم شده، کاری بکارتی نداره!

د گردن شکسته

□ هفت شنبه :

ادعای شرکت تلفن در این مورد که «گوشی تلفن‌های عمومی را می‌زدند»، در محافل فکاهی با خنده‌های شدید استقبال شد.

علت خنده شدید این بود که افراد وابسته به محافل فکاهی تا حالا خیال می‌کردند که از نظر شرکت تلفن ، هیچ کاری بدن نیست. دیگر نمی‌دانستند که دزدی گوشی، کارزشتی است و مکافات هم دارد!

«ک. ص : گردن شکسته»

چیزی... خورد به یک جایی، ما بین کله و شانهمان و گردنمان عین یک دسته گل، برای خودش شکست...»

در سال ۱۳۴۵ با کمک حسین توفیق به تهران منتقل و در یکی از دبیرستان‌های تهران به تدریس پرداخت. وی که عصرها همکار ثابت مجله توفیق بود. بعد از مدتی کوتاه به معاونت حسین توفیق، که سردبیری این مجله را به عهده داشت، می‌رسد. خود صابری در این باره می‌گوید: «... در رژیم قبل من عضو تحریریه و معاون سر دبیر مجله توفیق بودم. ستونی که من می‌نوشتم، هشت روز هفته یک کلاغ چهل کلاغ نام داشت.»

صابری با عنوان: میرزا گل، عبدالقائوس، ریش سفید، لوده، گردن شکسته فومنی، ک. ص. فومنی و غیره در توفیق مطلب می‌نوشت. پس از توقف فعالیت این مجله، صابری به تدریس ادامه داد، و هم‌زمان در بعضی مجلات معروف از جمله: مجله سپید و سیاه، فردوسی، نگین، امید ایران و... مطلب می‌نوشت.

شماره ۶ شماره ۲۲۶
چهل و نهمین سال

یک کلاغ، چهل کلاغ

آفتابه لگن هفت دست...
شهر تاری همدان طی یکدیرتاز - آههی چند ستونی همراه با عکس و تفصیلات، به اطلاع مردم رسانیده بود که بایگانی شهر تاری همدان به یک بایگانی مدرن تبدیل گردیده است.
مردم همدان باید خدا را شکر کنند که شهر تاری آنها، کار دیگری برایشان انجام نداده است. چون وقتی برای یک بایگانی بی‌قابلیت اینهمه خرج آههی کند، لابد برای یک کار عام المنفعه ، نصف بودجه شهر تاری را خرج می‌کرد!


مخارج بی‌نیازی
مهندس بیازی در باره علت ناتمام ماندن ساختمان مجلس شور باگفته است: مجلس نیاز چندانی به این ساختمان نداشت، بهمین علت ناتمام مانده است. کارمندان دولت ، سی‌چهل سال است که هر کدام به یک آلوتک احتیاج دارند، ولی دولت فقط وعده‌اش را میدهد، بدون اینکه کاری برای آنها انجام داده باشد، آنوقت برای ساختمانی که طبق گفته رئیس مجلس : «نیاز چندانی به آن نیست» میلیونها تومان خرج می‌کنند بدون اینکه آن را به سروسامان برسانند. خوب، کمی بودهی هفت دولت کار بدون برنامه انجام میدهد!!

تجارت
پیشنهاد آن قاضی مبنی بر اینکه گمرانی شهریه در مدارس ملی باید طبق قانون کثیرگرا تفروشان مورد رسیدگی قرار بگیرد ، با موازین حقوقی جور در نمی‌آید.
چون صاحبان مدارس ملی، تجارت علم و دانش می‌کنند! تجارت ترچه و شغلم نمی‌کنند که مشمول قانون کثیرگرا تفروشان بشوند.

فراهم‌سازی امکان فعالیت برای آنها بود. شاگردان او امروز هر کدام خود استادی تعلیم یافته و کاردان هستند.

طنز

طنز به عنوان شیوه‌ای برای ارائه مطلب و سبکی برای بیان، در میان مطبوعات امروز ایران و جهان، جایگاه مهمی پیدا کرده است. تا آنجایی که اکثر روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌ها ستون‌های ثابتی را به طنز اعم از طنز تصویری، یا نوشتاری اختصاص می‌دهند. از طرف دیگر چندین هفته‌نامه و ماهنامه طنز نیز در ایران منتشر می‌شوند که مطالب خود را در سبک و قالب طنز و کاریکاتور بیان می‌کنند، که از بین آنها نشریات گل آقا بیش از همه مورد اقبال مردم قرار داشت. طنز، رویکردها و کارکردهای مختلفی دارد: گاهی صرفاً جنبه سرگرمی و تفریح دارد، و گاه در مقام نقد قرار می‌گیرد، و به عنوان ابزاری برای رویارویی غیر مستقیم و محتاطانه با مسائل سیاسی، اجتماعی و کجرویها و نارسائیه‌ها به کار می‌رود. در این حالت طنز کار کرد آگاهی‌بخش دارد. اما بر عکس، برخی اوقات طنز می‌تواند جنبه هجو نیز پیدا کند. چنین طنزی، مرزهای اخلاقی و ادب عرفی جامعه را در می‌نوردد و به هتاک‌گری و ... تبدیل می‌شود. طنز گل آقا آمیزه‌ای است از انتقاد، تجاهل، انصاف، ادب، ایجاز، رندی، امیدبخشی، سازندگی و شادی‌آفرینی، و با خلق شخصیت‌هایی همچون، شاغلام، مش رجب، غضنفر، مصادق و کمینه عیال مصادق، مشکلات و انتقادات مردم کشور را به گوش مسئولان می‌رساند.^۱

 **به روزنامه فروش محله‌تان
بسیارید هر هفته برای شما
«توفیق» بیاورد.**

پیشنهاد
نظر باینکه سدر اعظم عصامی سدارت را با انحصار خود
در آورده لذا پیشنهاد می‌کنم که بالای کاخ نخست‌وزیری
تابلویی مانند تابلوی انحصار دخانیات ایران نصب کرده
رویش بنویسند:
«انحصار سدارت ایران»
(مصادق‌خان)

بعدها صابری در هنرستان صنعتی کار آموز تهران مشغول شد و در آنجا بود که با شهید رجایی آشنا و این آشنایی به دوستی صمیمانه آنها انجامید که تا زمان شهادت رجایی ادامه یافت.

بعد از پیروزی انقلاب به مشاورت فرهنگی و مطبوعاتی نخست وزیر - رجایی - برگزیده شد. در زمان ریاست جمهوری این شهید بزرگوار نیز هم‌چنان مشاور فرهنگی ایشان بود، که تا زمان شهادت رجایی، در این مسئولیت باقی و هنگام ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای نیز در همان سمت ابقا شد.^۲



وقتی از صابری به عنوان یکی از بزرگترین مشاوران شهید رجایی خواسته می‌شود تا خاطره‌ای از رجایی نقل کند می‌گوید: «من ۱۷ سال است که در مورد شهید رجایی حرف نزده‌ام در حالی که دست کم یکی از نزدیک‌ترین مشاورانش بودم. آخرین باری که گیر افتادم و در مورد رجایی صحبت کردم مصاحبه‌ای بود که در چهارده شماره روزنامه اطلاعات در سال ۶۱ به چاپ رسید. تیتراژ آن گفت و گو این بود: «رجایی دلسوخته جوانان بود» انگار آن مرد برای سوختن آفریده شده بود. سپس اشک‌هایش را پاک کرده و چنین ادامه می‌دهد: حالا فهمیدید چرا راجع به شهید رجایی صحبت نمی‌کنم! ...» او در ادامه در خصوص فعالیت‌های رجایی برای جوانان و رابطه آنها می‌گوید: «کسانی که مخاطب ما در آن زمان بودند، تا ما آمدیم با آنها سلام علیک کنیم، پوتین پوشیدند و به میدان‌های جنگ رفتند و به علت فشارهایی که در اوایل انقلاب وجود داشت، فقط ما شعار می‌دادیم. البته ناگفته نماند، که در آن زمان حجم بیشتر شعارهای ما برای پسران و مردان بود...» یکی از ارزشمندترین کارهای صابری در طول سالها فعالیت مطبوعاتی‌اش در عرصه طنز، کشف و شناسایی استعداد‌های جوان و

در هر حال آشنایی علمی و توأم گل آقا (صابری) با سیاست و ادبیات، و سالها معلمی و مطالعه عمیق آثار ادبی و تاریخی و تبحر در به کارگیری قالبهای ادبی و شناخت اصول نثر و نظم زبان، همگی موجب شد تا نوشته‌های او هم از حیث قالب و هم محتوا غنی و در حد تأمل باشد. او نویسنده‌ای فرم‌گرا و در نظیره سازی از منابع غنی ادبیات فارسی بسیار توانا بود.^{۱۲}

گستره آموزش طنز گل آقا

طنزهای مرحوم صابری به دلیل سبک خاص و ادبیات ویژه او با کاربریهای آموزشی نیز مورد توجه جدی قرار می‌گرفت از جمله، کتاب درسی زبان فارسی سوم نظری^{۱۱} (درس هجدهم، که در ارتباط با طنز است) که نمونه‌هایی از نوشته‌های گل آقا را در خود دارد. از طرف دیگر خانه طنز (مؤسسه گل آقا) امکانات مناسبی را برای دانشجویان و پژوهشگران حوزه طنز فراهم آورده است. زنده‌یاد صابری در همین رابطه می‌گوید:

«... دانشجویانی که برای پایان‌نامه‌های تحصیلات عالی خود موضوعاتی در زمینه طنز و کاریکاتور انتخاب کرده‌اند و برای تحقیق و کسب اطلاعات به آبدارخانه گل آقا مراجعه کرده‌اند، با همیاری و مساعدت اصحاب و اذتاب آبدارخانه مواجه شده‌اند.

مؤسسه گل آقا ضمن در اختیار گذاشتن کتابخانه و نشریات طنز و کلیه منابع و اطلاعاتی که در این زمینه دارد و راهنمایی این عزیزان، یک نسخه از پژوهشهای آنان را نیز برای متمرکز کردن و انعکاس دادن تحقیقات مربوط به طنز، نگهداری می‌کند. گل آقا، هم از طریق نشریات خود و هم در دیدار با اساتید دانشگاه‌ها آمادگی خود را جهت کمک به کلیه کسانی که در زمینه طنز و کاریکاتور قصد پژوهش دارند اعلام کرده است.^{۱۳}»

از کلام و نوشته‌های همراهان

حسین گلستانی: «گل آقا هیچوقت قلم خود را با هجو و هزل و هرزگی نیالود و از آغاز تا پایان، آن را «عقیف» و سالم نگه داشت. این کار کوچکی نیست به نظر حقیر طنز نجیب و سالم نوشتن مثل عبور از پل صراط است که «از موی باریک‌تر و از تیغ تیزتر» کوچکترین لغزش، طنزنویس را به چاه ویل ابتذال می‌اندازد... گل آقا مرد و مردانه قلم زد و آگاهانه طنز نوشت و در ورطه ابتذال نیفتاد...»
بهاءالدین خرمشاهی: «شادروان کیومرث صابری - که به حق گل آقای ملت ایران نام گرفته است، مشعل طنز را از دست استادش

علامه دهخدا گرفت و طنز را به یکی از ستونها و بلکه نهادهای مهم فرهنگی امروز تبدیل کرد.»

سید محمد احصایی: «در دوستی پیش قدم بود و هم در نگه داشتش ثابت قدم.»

ثریا ایرانی کرمانی: «شادروان گل آقا در زندگی از امکانات رسانه‌ای که در اختیار داشت هرگز در پی سوء استفاده از رسانه خود و تسویه حساب با دیگران سود نجست.^{۱۴}»

تولد گل آقا

برای نخستین بار در بیست و چهارم دی ماه ۱۳۶۳ (۶۳/۱۰/۲۴)، روزنامه اطلاعات، اقدام به چاپ مطلب طنزی با امضاء گل آقا تحت عنوان دو کلمه حرف حساب نمود. شاید برای بسیاری از خوانندگان روزنامه اطلاعات و خوانندگان سایر روزنامه‌ها و مجلات و حتی دوستان و همکاران او، نویسنده متن مذکور مشخص نبود.^{۱۵} اما ستون دو کلمه حرف حساب خیلی زود جای خودش را در ادبیات سیاسی اجتماعی آن زمان باز کرد و به مرور مضامین طنز آن در محافل و مجالس نقل می‌گردید، مجموعه مطالب این ستون، خود گنجینه باارزشی است برای محققان، اندیشوران و تاریخ‌نویسان عصر معاصر که می‌تواند منبعی مناسب برای تحلیل وضعیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن دوران باشد.

شش سال بعد از تولد گل آقا، صابری انتشار هفته نامه طنز «گل آقا» را تقاضا کرد و توانست در آبان ۱۳۶۹ اولین شماره هفته نامه گل آقا را منتشر کند.^{۱۶} از آن زمان به بعد دو کلمه حرف حساب فقط در روزنامه منتشر نمی‌شد بلکه دامنه آن در نشریات گل آقا نیز گسترش یافت. آن نشریات عبارتند از:

ماهنامه گل آقا	هفته نامه گل آقا
بچه‌ها گل آقا	سالنامه گل آقا

نکته:

- اگرچه اکثر منابع مورد مطالعه، متفق القول تاریخ ۲۳/دی/۱۳۶۳ را اولین اقدام و آغاز دو کلمه حرف حساب دانسته‌اند، ولی با بررسی دقیق و مراجعه به آرشیو روزنامه اطلاعات، روشن می‌شود که دو کلمه حرف حساب در تاریخ ۲۴/دی/۶۳ منتشر شده است. در صفحه اول این شماره روزنامه اطلاعات در این باره آمده است: «دو کلمه حرف حساب، عنوان ستون کوتاه و تازه‌ای است که از امروز در اطلاعات می‌خوانید و انشاءالله به طور ثابت ادامه خواهد یافت. نویسنده این ستون که نامش «گل آقا» است تصمیم گرفته است پس از این با روزنامه اطلاعات همکاری کرده و هر روز

۴. از خرداد ۱۳۷۹ - شماره ۴۵۲ تا آبان ۱۳۷۹ (شماره ۴۷۲)، بالای لوگو شعر جدیدی قرار گرفت، بدین مضمون:

یک زبان دارم دو تا دندان لق

می زنم تا زنده هستم حرف حق



۵. از آبان ۱۳۷۹ (شماره ۴۷۳) تا ۱۶ خرداد ۱۳۸۰ (شماره

۴۹۹)، شعر فوق (شعر بند ۴) در نیم بیت دوم آن، روی عبارت «... زنده هستم...» ضربدر خورده و زیر آن کلمه «می توانم» درج شده

است. مثل نمونه فوق



۶. آخرین مرحله از ۲۴ خرداد ۱۳۸۰ «شماره ۵۰۰»، تا آخرین شماره

(۵۶۴)، کلمه های «... زنده هستم...» بطور کامل حذف شده و به جای آن کلمه «می توانم» قرار گرفت. که این مرحله تا زمان توقف

ادامه داشت، آن بیت شعر این است:

یک زبان دارم دو تا دندان لق

می زنم تا می توانم حرف حق



البته علت تغییرات قسمت لوگو مشخص نشد، و شاید اصلاً مانند توقف هفته نامه باشد که صابری علت آن را ذکر نکرد.

از بین نشریات گل آقا، هفته نامه گل آقا پس از دوازده سال انتشار، متوقف شد. کیومرث صابری در دو کلمه حرف حساب (مقدمه)

آخرین شماره، علت توقف آنرا چنین بیان می کند:

« در یک جمله کوتاه و ساده به خوانندگان وفادار و مهربان که در دوازده سال گذشته بخشی از زندگی ام بوده اند بگویم:

نکته ای از میان ده ها موضوع و سوژه خارجی و داخلی را انتخاب کرده و به سبک و سیاقی که تدریجاً خواهید دید در این ستون مطرح نماید. مطمئناً زود قضاوت نخواهید کرد.»

و در صفحه سوم ستونی کوتاه تحت عنوان دو کلمه حرف حساب دیده می شود که با عنوان یونسکو.

هفته نامه گل آقا

پس از انتشار دو کلمه حرف حساب، که در روزنامه اطلاعات، آن هم در ستونی کوتاه به چاپ می رسید، صابری برای انتشار هفته نامه خود، اقدام کرد. وی از این طریق طنز و کاریکاتور سیاسی را بعد از انقلاب اسلامی احیاء کرد. او با زحمت راه دشواری را تا انتشار هفته نامه گل آقا پشت سر گذاشت و سرانجام موفق شد در آبان ماه ۱۳۶۹ اولین شماره این هفته نامه را منتشر کند.

هفته نامه گل آقا در بدو انتشار چنان مورد استقبال مردم قرار گرفت که تمامی نسخه های اولین شماره آن در سراسر تهران به سرعت به فروش رفت و نایاب شد این استقبال در طول مدت انتشار این هفته نامه به وضوح تداوم یافت.

کیومرث صابری در خرداد ۱۳۷۹ و از شماره ۴۵۲ به بعد، این بیت را به عنوان شعار هفته نامه انتخاب کرد و آن را در صدر لوگو قرار داد:

یک زبان دارم دو تا دندان لق

می زنم تا زنده هستم حرف حق

چند نکته درباره لوگوی هفته نامه:

۱. از ابتدای نشر (آبان ۱۳۶۹) تا مرداد ۱۳۷۰ (سال هفتم، شماره هشتم)، در این مرحله لوگو ساده و بدون شعر می باشد.

۲. از مرداد ۱۳۷۰ (سال دوم، شماره هجده) تا خرداد ۱۳۷۵ (سال هفتم، شماره هشتم)، در بالای لوگو، شعر زیر قرار می گیرد:

خنده رو هر که نیست از ما نیست

اخم در چننه گل آقا نیست

۳. از خرداد ۱۳۷۵، (سال هفتم، شماره نهم) تا خرداد ۱۳۷۹ (شماره هشتم، پیاپی ۴۵۱)، شعر مزبور حذف شده است.





طور مرتب منتشر می شود، در حال حاضر نیز سالنامه ۱۳۸۲ به عنوان جدیدترین سالنامه گل آقا در دسترس می باشد.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول آن کیومرث صابری فومنی است، که از خرداد سال جاری فرزندشان سرکار خانم پوپک صابری مدیریت آن را به عهده دارند.

سالنامه گل آقا که مجموعه‌ای از بهترین مقالات تحقیقی در عرصه طنز می باشد، علاوه بر مقالات، اخبار، گزارش‌های سالانه، رویدادها و فعالیت‌ها و تحولاتی که در طول سال به وقوع پیوسته را نیز در برمی گیرد. بعضی از مقالات به معرفی اشخاص طنز پرداز و کاریکاتوریست می پردازد. در هر سالنامه یکی از نشریات قدیمی (مجله یا روزنامه) را معرفی می کند، مانند: نسیم شمال، مجله توفیق، و غیره...

اغلب تصاویر و عکسهایی که در مقالات مورد استفاده قرار گرفته‌اند در ارتباط با متن مقاله هستند، و به عنوان شاهد و نمونه به کار گرفته شده‌اند.

سالنامه گل آقا دارای یک مقدمه و یک مؤخره می باشد. که در ذیل، مؤخره سالنامه ۱۳۷۱ به عنوان نمونه آورده شده:

«مؤخره: تمام شد کتاب مستطاب طنز نامه مسمی به «سالنامه ۷۱ گل آقا». در ماه اسفند سنه بیچی ثیل، به سال ۱۳۷۱ هجری شمسی مطابق با ماه رمضان ۱۴۱۳ قمری برابر با ماه مارس ۱۹۹۳ میلادی، به مباشرت این بنده کمترین، «شاغلام» - ملقب به عوام! - کلیددار خزانه و چرخاننده آبدارخانه گل آقایی، به همت اذنان و اصحاب گل آقا که یک سال تمام دود چراغها خورده و استخوانها خرد نمودیم تا دو ماه بعد، یعنی به اردیبهشت سال بعد که هم امسال باشد، با هزار ضرب و زور از مطبعه خارج و روانه بازار گردید به قیمت نیم کیلو پنیر داخلی یا دو بسته سیگار خارجی... و بلکه کمتر!

از قارئین محترم تقاضا دارم هر انتقادی، پیشنهادی، ارائه «طریقی» رهنمودی، چیزی و غیره! دارند، غمض عین بفرمایند!^{۱۹}»

هفته نامه «بچه ها گل آقا»

اولین هفته نامه طنز بچه های ایران هفته نامه بچه ها گل آقا است،

«... از اول آبان ۱۳۶۹ تا امروز که دوازدهمین سال انتشار مجله به پایان رسید، همه لحظات عمرم در کار مجله، در آرامش و اضطراب، امید و نومیدی، خوب و بد، زیبا و زشت... گذشته است، شاید روزی این حالت ضد و نقیض را شرح دهم و علت های آن را بیان کنم. اما آن روز، امروز نیست...»^{۱۷}

یاد نامه کیومرث صابری فومنی

هفته نامه گل آقا پس از توقف انتشار، تنها یکبار دیگر به صورت ویژه نامه منتشر شد آن هم پس از درگذشت مرحوم کیومرث صابری، و به همت دخترشان خانم پوپک صابری، که به عنوان یادنامه وی انتشار یافت. خانم صابری در این باره گفته است: «هفته نامه گل آقا دیگر منتشر نمی شود، همانگونه که گل آقا خواسته بود و تا آخرین لحظه هم دلایل آن را به کسی نگفت اما آرزو و خواست من و همکاران گل آقا این بود که یک بار دیگر - برای آخرین بار - هفته نامه گل آقا را منتشر کنیم، این بار تقدیم به مردی که همه عمر خود را صرف شادمانی مردم سرزمینش کرد.»^{۱۸}

این یادنامه حاوی نظرات و مطالب تعدادی از همکاران و دوستان صابری پس از مرگ وی و در رثای اوست. که سرشار از اندوهی سنگین و بغضی گران می باشد.

ماهنامه گل آقا

صابری بعد از انتشار هفته نامه، با توسعه فعالیت های گل آقایی خود مجوز انتشار ماهنامه گل آقا را گرفت، و اولین شماره آن را در مرداد ماه ۱۳۷۰ منتشر کرد، هم اکنون شماره های منتشر شده این ماهنامه به ۱۵۳ رسیده و ادامه خواهد داشت. مدیر مسئول و صاحب امتیاز آن کیومرث صابری فومنی بود، که بعد



از درگذشت ایشان یعنی از مرداد ماه ۸۳ به بعد دخترشان سرکار خانم پوپک صابری فومنی مدیریت ماهنامه را به عهده گرفت، و از کیومرث صابری بعنوان بنیاد گذار یاد شده است.

سالنامه گل آقا

انتشار سالنامه گل آقا از سال ۱۳۷۰ شروع شد و از آن سال به بعد به

اولین شماره این مجله در فروردین ماه ۱۳۷۸ منتشر گردید. شماره اول آن ویژه نوروز است که در ۳۰ صفحه منتشر شد، شماره های بعدی آن اغلب در ۲۴ صفحه هستند. صاحب امتیاز و مدیر مسئول آن: آقای کیومرث صابری فومنی است. از شماره پنجم به بعد روی جلد آن با این شعار مزین گردید:

شادی حق بچه هاست به حقوق بچه ها احترام بگذاریم
این شعار گویای یکی از اهداف اصلی انتشار نشریه «بچه ها گل آقا» است. سبک نگارش آن به صورت طنز تصویری و کاریکاتورهایی است که در بیان آن بیشتر از تصاویر کارتونی حیوانات که مورد علاقه بچه ها نیز می باشد، استفاده شده است. از بین نامه ها و نقاشی ها و مطالبی که بچه ها برای گل آقا ارسال کرده اند تعدادی در هر شماره به چشم می خورد. در ساختار و شیوه این نشریه از روش ادبیات کودکان به خوبی استفاده شده است.

بچه ها گل آقا، در حال حاضر نیز هر هفته منتشر می شود، این هفته نامه پس از توقف کوتاهی که به علت در گذشت گل آقا داشت، کار خود را با همان سبک و سیاق قبل ادامه داد. بعد از مرحوم کیومرث صابری، صاحب امتیاز و مدیر مسئولی آن را سرکار خانم پوپک صابری به عهده گرفته اند، و از کیومرث صابری نیز به عنوان بنیادگذار این مجله یاد می شود.

فعالیت های فرهنگی و اجتماعی

کیومرث صابری علاوه بر انتشار هفته نامه، ماهنامه، سالنامه، بچه ها گل آقا، کتاب و . . . در بسیاری از فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی نیز شرکت داشت. «از برپایی مسابقه های طنز و کاریکاتور با مضامین: کودک، لبخند، تندرستی (برای انجمن حمایت از کودکان سرطانی)، طنز جمعیت و تنظیم خانواده (برای سازمان کنترل و تنظیم خانواده)، بمب اتمی (با توجه به اهمیت انفجار بمب اتمی در هندوستان و پاکستان)، محیط زیست (با همکاری سازمان محیط زیست)، گرفته تا: برپایی سفره خانه و برنامه ضیافت افطاری، دعوت از بزرگان و همکاران و دوستان در دفتر گل آقا و همچنین شرکت فعال در نمایشگاهها و جشنواره ها مانند: حضور در نمایشگاه بین المللی مطبوعات و کتاب، برپایی نمایشگاههای مخصوص کاریکاتور در فرهنگسراها و . . .»^{۲۱}

هر ساله در دهه اول ماه مبارک رمضان شبی را، با افرادی که به دقت از همه گروه ها و نهادهای اجتماعی-سیاسی برگزیده بود، افطار می کرد و از محبوبیت عمیق . که به حق برای مردان خدا همیشه فراهم آمده است، بین همه حاضرین به سرشاری برخوردار بود. گل آقا در زمان حیاتش فرا جناحی عمل می کرد، مخصوصاً در افطاری های ماه رمضان، در سالن دهخدای مؤسسه - همان خانه طنز- همه جناح های را سر یک سفره می نشاند.

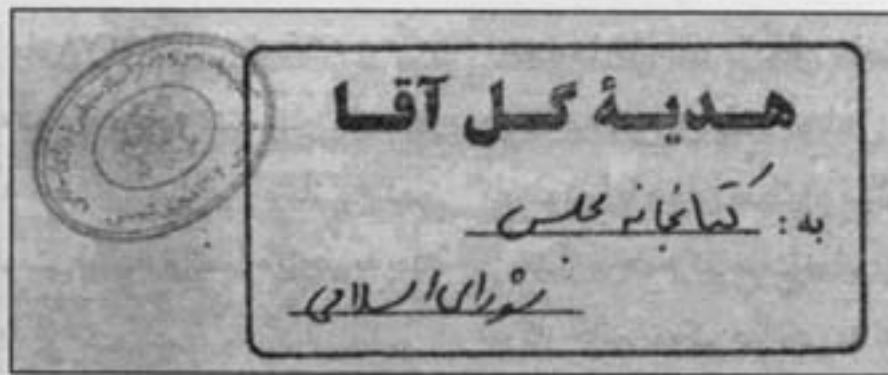
اهدایی گل آقا به کتابخانه مجلس

یکی از کارهای با ارزش گل آقا، اهدای شماری از آثار خود به کتابخانه مجلس شورای اسلامی است، که از مدیران مسئول سایر نشریات کمتر سر می زند.^{۲۲}

اهدای ماهنامه، هفته نامه، سالنامه و بچه ها گل آقا، آن هم به صورت صحافی و مجلد شده، به مراکز مختلف به خصوص برای این کتابخانه، کاری است شایسته که توسط ایشان انجام گرفته است.



در سالنامه ۱۳۷۸ نیز در وصف مجله «بچه ها گل آقا» چنین آمده: «. . . مجله بچه ها گل آقا، مانند سایر نشریات گل آقا از لحاظ ویرایش و نگارش فارسی پاکیزه است و طبق اصول ویرایش «آموزش و پرورش» ویراستاری می شود. برای همین برای همه بچه های ایرانی و به خصوص بچه های ایرانی که خارج از کشور زندگی می کنند، یکی از بهترین منابع برای یادگیری زبان فارسی است. در همین راستا برای نو سوادانی که سواد می آموزند ولی چیزی برای خواندن ندارند تا سواد از یاد شان نرود هم منبع خوبی است. . .»^{۲۰}



سایر تالیفات

کیومرث صابری قبل و بعد از انتشار مجلات گل آقا، به تألیف و انتشار چندین عنوان کتاب نیز اقدام کرده است. فهرست کتاب‌هایی که در ذیل می‌آید، از مؤسسه گل آقا تهیه شده^{۳۳} و شامل آثاری است که توسط زنده‌یاد صابری و انتشارات این مؤسسه تا به حال منتشر گردیده است:

فهرست کتابهای انتشارات گل آقا

ردیف	نام کتاب	نویسنده	مترجم	موجودی	تعداد صفحات	قیمت (تومان)	چاپ اول	چاپ دوم	توضیح مختصر
۱	آموزش کارکنان	روین حال	وکی بطروشیان	موجود	۶۵	۱۰۰۰۰	۱۳۸۱	۱۳۸۱	مجموعه آموزشی طراحی کارکنان
۲	آموزش کارکنان ۲	من بون هارت	شکری فرزند	موجود	۸۰	۱۱	۱۳۸۱	۱۳۸۱	مجموعه آموزشی طراحی کارکنان
۳	با دکتر حسینی در گل آقا	دکتر تکیون - شیل توری	-	ناپاب	۲۱۵	۲۷۰۰۰	۱۳۸۱	۱۳۸۱	گزیده آثار چاپ شده در نشریات گل آقا
۴	بازی‌های جنگل	-	-	موجود	۸۰	۹۰۰۰	۱۳۸۱	۱۳۸۱	مجموعه کارکنان‌های مربوط به مدیریت و حیوانات
۵	بست آبی (مجموعه کارکنان‌های مسافله بست آبی گل آقا)	-	-	ناپاب	۲۰۰	۲۸۰۰۰	۱۳۷۷	۱۳۷۷	مجموعه کارکنان‌های مسافله بست آبی گل آقا
۶	به نگاه خوش آمدی	پرویز شاپور	-	ناپاب	۱۵۲	۲۰۰۰	۰	۰	مجموعه کارکنان
۷	تذکره اشکات	لیونیل روسی نصر آبادی (مترجم)	-	ناپاب	۱۲۲	۲۰۰۰	۱۳۷۷	۱۳۷۷	مجموعه تذکره اشکات‌های هدیه گل آقا
۸	جامع احکامات	موجهر اعترافی	-	ناپاب	۱۷۷	۲۰۰۰	۱۳۷۸	۱۳۷۸	داستانهای کوتاه طنز
۹	چگونه می‌توان یک طرحی در افغانستان بود ۲	جرج مایکر	پیرامند عظیمی	ناپاب	۱۰۲	۵۰۰۰	۱۳۷۱	۱۳۷۱	مجموعه داستان طنز
۱۰	چهل نیکه	محمد پورانی	-	ناپاب	۱۸۲	۱۲۰۰	۱۳۷۱	۱۳۷۱	مجموعه لطیفه‌های آلمانی
۱۱	خنده از Z ۱۹۸۸	جانس بو آخیم کولر کسیر	علوی بنانی	ناپاب	۲۱۲	۱۱۰۰۰	۱۳۷۸	۱۳۷۸	مجموعه داستان طنز
۱۲	خوش و بش	-	-	ناپاب	۱۵۴	۶۰۰۰	۱۳۷۸	۱۳۷۸	گزیده مقالات درباره معضلات
۱۳	دشمنی بنامه	وادی الله پرویدی	-	ناپاب	۲۰۲	۱۱۰۰۰	۱۳۷۸	۱۳۷۸	گزیده سالهای ۲۷ - ۲۶
۱۴	دو کلمه حرف حساب (جلد چهارم)	کیومرث صابری	-	موجود	۲۶۰	۸۰۰۰	۱۳۷۷	۱۳۷۷	گزیده سالهای ۲۰ - ۱۹
۱۵	دو کلمه حرف حساب (جلد سوم)	کیومرث صابری	-	موجود	۲۸۹	۵۰۰۰	۱۳۷۷	۱۳۷۷	گزیده سالهای ۲۲ - ۲۰
۱۶	دو کلمه حرف حساب (جلد دوم)	کیومرث صابری	-	موجود	۲۸۹	۵۰۰۰	۱۳۷۷	۱۳۷۷	مجموعه شعر نو گل آقایی
۱۷	شکرپاره (جلد مکرر ۲)	-	-	ناپاب	۱۷۸	۱۷۸	۱۳۷۱	۱۳۷۱	مجموعه لطیفه
۱۸	شور و شریعت	گرد آوری: مرتضی فرجیان	-	ناپاب	۱۶۸	۸۰۰۰	۱۳۷۶	۱۳۷۶	با همکاری انجمن تنظیم خانواده
۱۹	طنز، جمعیت و تنظیم خانواده (کارکنان، مطلب طنز)	-	-	ناپاب	۹۵	۱۰۰۰۰	۱۳۷۸	۱۳۷۸	مجموعه شعر نو گل آقایی
۲۰	قند مگر (جلد اول)	-	-	ناپاب	۱۱۲	۲۰۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰	مجموعه شعر نو گل آقایی
۲۱	قند مگر (جلد سوم)	-	-	ناپاب	۱۸۲	۲۰۰۰	۱۳۷۷	۱۳۷۷	مجموعه مقالات طنز کارکنان
۲۲	کارکنان گل آقا (۱)	-	-	موجود	۸۵	۲۰۰۰۰	۱۳۸۰	۱۳۸۰	مجموعه کارکنان‌های مسافله بین‌المللی گفتگوی آمدنها
۲۳	کارکنان گل آقا (۲)	-	-	موجود	۱۲۱	۲۰۰۰۰	۱۳۸۰	۱۳۸۰	کارکنان‌های محیط زیست
۲۴	گفتگوی آمدنها	-	-	موجود	۱۲۶	۲۹۰۰۰	۱۳۸۰	۱۳۸۰	شوقی مجلسی آلمانی
۲۵	محیط زیست	اسکندر خان فرهودانی (مترجم)	-	ناپاب	۱۶۸	۳۵۰۰۰	۱۳۷۶	۱۳۷۶	داستان طنز برای کودکان
۲۶	میان پرده	منوچهر آنتزلی	-	موجود	۸۸	۱۲۰۰۰	۱۳۸۲	۱۳۸۲	شعر طنز برای کودکان
۲۷	پهلوها... من هو بازی (۱)	حسین گلشنی	-	موجود	۲۰	۱۰۰۰۰	۱۳۸۲	۱۳۸۲	داستانهای طنز روسی
۲۸	برهان باطنی	نهاد دوسانزاده	حسین کریم‌الوند	موجود	۸۸	۱۲۰۰۰	۱۳۸۲	۱۳۸۲	طنز بردان معاصر
۲۹	مهر بزرگ آیدکو باقریون و من	گرد آوری: رینا نصرایی	-	موجود	۸۰	۵۰۰۰	۱۳۸۲	۱۳۸۲	طنز بردان معاصر
۳۰	طنز بردان معاصر (۱) - لوتراک علی	گرد آوری: رینا نصرایی	-	موجود	۵۵	۲۰۰۰	۱۳۸۲	۱۳۸۲	طنز بردان معاصر
۳۱	طنز بردان معاصر (۲) - لوتراک علی	گرد آوری: رینا نصرایی	-	موجود	۲۶	۵۰۰۰	۱۳۸۲	۱۳۸۲	طنز بردان معاصر
۳۲	طنز بردان معاصر (۳) - محمد علی گویا	گرد آوری: رینا نصرایی	-	موجود	۸۰	۵۰۰۰	۱۳۸۲	۱۳۸۲	طنز بردان معاصر
۳۳	طنز بردان معاصر (۴) - مرتضی فرجیان	گرد آوری: رینا نصرایی	-	موجود	۲۵	۱۲۰۰۰	۱۳۸۲	۱۳۸۲	داستانهای طنز معاصر
۳۴	ماجرهای دلمه گسی که می‌خواست دلمه نماند	بزرگمهر حسین‌پور	-	موجود	۲۲۶	۹۰۰۰۰	۱۳۸۲	۱۳۸۲	گزیده آثار دومین مسافله بین‌المللی گل آقا
۳۵	راه و سفر	-	-	موجود	-	-	-	-	-



علی (ع) به مالک اشتر محدود کردم، به این امید که کمتر دست خوش خطا و ذلت شوم. اما باز نتیجه به دست آمده، چیزی نشد که افتخاری را باعث آید. و آن نتیجه همین است که می‌بینید...»

(۲) مکاتبات شهید رجایی با بنی صدر و چگونگی انتخاب اولین نخست وزیر جمهوری

از بین کتاب‌های ایشان، تعدادی از آنها هم اکنون در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است که عبارتند از:

(۱) برداشتی از فرمان حضرت علی (ع) به مالک اشتر / کیومرث صابری، [بی تا].

صابری در مقدمه کتاب آورده است:

«... سیزده سال پیش از این تصمیم گرفتم مشخصات حکومت اسلامی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهم. در نخستین گام‌ها دریافتم که انجام این کار به صورت گسترده و همه جانبه، با بضاعت ناچیز علمی من، شدنی نیست. پس، تحقیق خود را در حد فرمان حضرت

اسلامی ایران کیومرث صابری، چاپ سوم : ۱۳۶۲.

صابری در مقدمه کتاب می‌نویسد :

«... این کتاب که بخش کوچکی از توطئه عظیم ضد انقلاب را به سرکردگی رئیس جمهور مخلوع علیه دولت شهید رجایی افشاء می‌کند، در حقیقت تاریخ فصل و دورانی پر کشمکش برای استقرار جمهوری اسلامی و حاکمیت قانون اساسی در کشور از یکسو، و تلاش برای ایجاد انحراف در انقلاب توسط عوامل سازشکار و وابسته از سوئی دیگر است. در این کتاب، نه دو فرد، که در واقع ویژگی‌های دو خط فکری، دوجریان سیاسی و دو بینش اعتقادی همراه با اسناد و مدارک مطرح می‌شود...»

«... بخش دوم کتاب، قسمتی از مکاتبات بنی‌صدر و شهید رجایی است. غالب این نامه‌ها، از جمله اسنادی است که تاکنون انتشار نیافته‌اند و جالب اینکه حتی بنی‌صدر هم که دریافت کننده و مخاطب نامه است با آن همه کوششهای دفتر هماهنگی در به دست آوردن اسناد و «مثلاً افشای جریان ضد بنی‌صدر» این مکاتیب را منتشر نکرده بودند! رجایی در این نامه‌ها نیز چون گفتارهای خویش صادق و متین و متکی به اصول مکتب بود...»

۳) دیدار از شوروی: یادداشت‌های سفر به مسکو، لنینگراد، ... کیومرث صابری، چاپ سوم : ۱۳۶۸.



انگیزه صابری از این سفر در مقدمه کتاب به قلم خود او چنین است: «... بیش از هر زمان دیگر آرزو کردم که یک کشور سوسیالیستی را از نزدیک ببینم، نه از این روی که پاسخ شاگردان جوانم را بیابم، که آنها خود یا به حقایق پی برده‌اند یا می‌برند. بلکه بیشتر به

این دلیل که دلم می‌خواست آن مدینه فاضله‌ای را که از ده سالگی با طرفداران و هوادارانش دمخور بوده‌ام بی‌واسطه ببینم. در مهر ماه سال ۱۳۶۰ فرصت آن را یافتم که همراه هیئتی از شوروی دیدن کنم...»



۴) گل آقا گزیده دو کلمه حرف حساب: ج ۱- ۲ / کیومرث صابری فومنی، سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۷. بخشی از مقدمه ناشر (انتشارات سروش) در جدول اول کتاب چنین است:

«... حضور گل آقا در ستون پر خواننده دو کلمه حرف حساب نموداری است از حضور آزادی در مطبوعات ایران، و نشانه‌ای است از اعتقاد و علاقه مردم ایران به آزادی و عدالت و زمینه‌های تعمیم استقلال. گل آقا آزادی را تجربه می‌کند و آزادی را تعلیم می‌دهد. بدین دلیل در تاریخ قلم این سرزمین می‌ماند و آیندگان را با واقعیتها و حقیقت‌ها، انتقادها و انتقاد پذیری‌ها، تلخی‌ها و شیرینها، شکست‌ها و پیروزی‌ها و ضعف‌ها و قوت‌های این عصر و نسل آینده آشنا می‌سازد...»

کوچ نا بهنگام

نام کیومرث صابری در تاریخ طنز فارسی، نامی ماندگار است. اما آنچه ما و ملت ایران و فرهنگ دوستان دلشان نمی‌خواست پیش آید کوچ ناگهانی ایشان بود. کوچی که سرانجام در صبح روز جمعه یازدهم اردیبهشت ماه سال جاری (۱۳۸۳) انجام گرفت و پرنده روح گل آقا به آسمان پرواز کرد، و در تاریخ روز شنبه دوازدهم اردیبهشت نیز پیکر پاکش در خاک شد و بدین صورت به جهان آخرت کوچ کرد.

«همیشه یادش گرامی باد»



پیام تسلیت مقام معظم رهبری و ریاست محترم جمهور به مناسبت درگذشت مرحوم کیومرث صابری^{۳۳}

پیام تسلیت

آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب

با تأسف فراوان خبر درگذشت هنرمند طنزپرداز و مبتکر، مرحوم آقای کیومرث صابری را دریافت کردم. این ضایعه‌ای در عرصه هنر و غم بزرگی برای دوستان و معاشران او و کسانی است که با سلامت نفس و پاکدامنی سیاسی او آشنا بودند. او یار دیرین شهید رجایی و طرفدار وفادار همیشگی انقلاب و نظام اسلامی بود. هنر برجسته او در سال‌های دفاع مقدس همواره در خدمت کشور قرار داشت و او تا آخرین روز عمر خود هرگز قلم و قریحه سرشار خود را جز در راه ایمان و باور خود به کار نگرفت.

این جانب که مدت‌ها از همکاری او و در همه بیست سال اخیر از لطف هنر او برخوردار بوده‌ام، خود را در غم درگذشت او شریک می‌دانم و به خانواده محترم و دوستان و همکاران او تسلیت می‌گویم و رحمت و غفران الهی را از خداوند متعال برای او مسئلت می‌کنم.

سید علی خامنه‌ای

پیام تسلیت

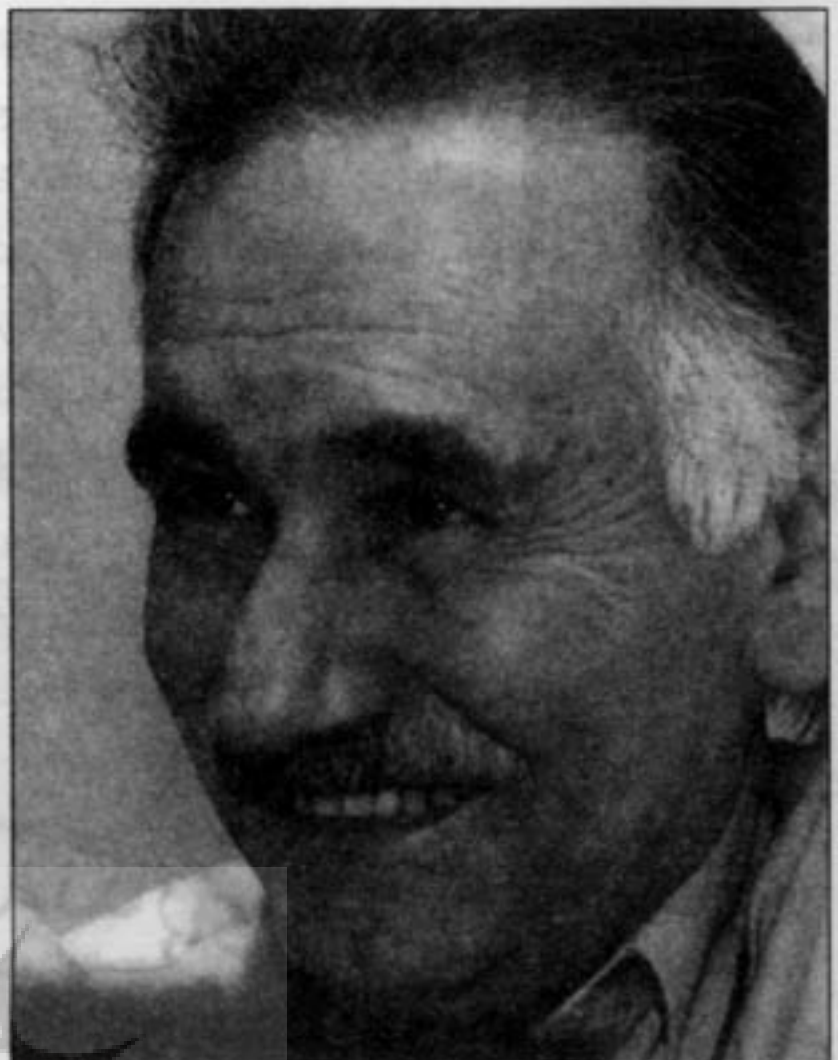
سید محمد خاتمی ریاست محترم جمهوری

خبر، چنان سنگین و تابسوز است که به دشواری به باور می‌نشیند ولی در برابر تقدیر حضرت پروردگار چاره‌ای جز تسلیم و رضا نیست. روان بهار آفرین هنری مرد والامنش ایران زمین، حضرت کیومرث صابری در بهار طبیعت از تن خسته و رنج کشیده او پر کشید و به ملکوت اعلی پیوست.

من این ماتم جانگداز را به جامعه فرهنگی و هنری کشور و همه دوستداران صفا، شعر، شعور و بیداری‌گری «گل آقای ملت ایران» به ویژه به همسر پرهیزگار و بزرگوار و دختر عزیز و شکیبا و داماد مکرمش و به همه بستگان این بزرگ مرد عرصه فرهنگ و هنر کشور تسلیت می‌گویم و برای آنان صبر و اجر و برای آن عزیز سفر کرده علو درجات طلب می‌کنم.

سید محمد خاتمی





۱. احمد رضا احمدی در هفته نامه گل آقا، ویژه نامه یادبود صابری در سوگ او می نویسد: در طنز نویسی صد سال اخیر ایران سه چهره بودند که دارای نثر فاخر و مجلل و نثر ویژه خود بودند، یکی علی اکبر دهخدا در مجموعه مقالات چرند و پرند، دوم فریدون... در کتاب التفصیل، و سوم کیومرث صابری در مجموعه مقالات گل آقا. طنز گل آقا عاری از دشنام بود، طنزی بود دوست آفرین نه دشمن آفرین.
۲. هفته نامه گل آقا «یادنامه کیومرث صابری»، خرداد ۸۳، ش. ۱+۵۶۴، ص. ۴۶.
۳. بخارا «یادی از کیومرث صابری (گل آقا)»، ش. ۱۳۸۳، ش. ۳۵، ص. ۳۸۱.
۴. سالنامه گل آقا ۱۳۷۲ «معرفی یک نشریه توفیق»، ص. ۴۶.
۵. بخارا «یادی از کیومرث صابری (گل آقا)»، ش. ۱۳۸۳، ص. ۳۸۱.
۶. روزنامه فرهنگ آشتی، ویژه نامه آخر هفته «گفت و گو با کیومرث صابری»، ۱۳/۲/۸۳، ص. ۲.
۷. بخارا «یادی از کیومرث صابری (گل آقا)»، ش. ۱۳۸۳، ش. ۳۵، ص. ۳۸۱.
۸. روزنامه فرهنگ آشتی، ویژه نامه آخر هفته «گفت و گو با کیومرث صابری»، ۱۳/۲/۸۳، ص. ۲.
۹. خود او (صابری) در بیان خاطرات حج می گوید: «در مکه به کعبه رفتم و در جوار کعبه قلمم را در آوردم و رو به کعبه کردم و گفتم من این قلم را در خانه خدا با خدا معامله کردم، خدا یا تو شاهد باش که من در راه اعتلای دین تو و کشورم گام برمی دارم. مرا از لغزشها مضمون بنماز و قلمم را از انحرافات حفظ کن.
۱۰. هفته نامه گل آقا «گذری بر تاریخچه زندگی گل آقا» خرداد ۸۳، ویژه نامه شماره ۱+۵۶۴، ص. ۲۱.
۱۱. زبان فارسی ۳، سال سوم دبیرستان، درس هجدهم «طنزپردازی»، سال تحصیلی ۱۳۸۳/۸۴، ص. ۱۳۵-۱۳۰.
۱۲. سالنامه گل آقا ۱۳۷۸ «گل آقا در پایان نامه های دانشجویی»، ص. ۱۱۴، ۱۱۲.
۱۳. هفته نامه گل آقا ۱۳۷۸ «گل آقا در پایان نامه های دانشجویی»، ص. ۱۱۴، ۱۱۲.
۱۴. در سال ۱۳۶۷ حجت الاسلام خلخالی با نطقی که در مجلس ایراد کرد، و پس از آن در یادداشتی که برای رئیس مجلس نوشت اسم کیومرث صابری را در کنار گل آقا آورد، و نگاه همکاران دریافتند که گل آقا نام مستعار کیست.
۱۵. بخارا «یادی از کیومرث (گل آقا)»، ش. ۱۳۸۳، ص. ۳۸۱.
۱۶. روزنامه اطلاعات، ۲۴ دی ۱۳۶۳ «دو کلمه حرف حساب»، ص اول.
۱۷. هفته نامه گل آقا «دو کلمه حرف حساب» آبان ۱۳۸۱، ش. ۵۶۴ (شماره آخر)، ص. ۳.
۱۸. هفته نامه گل آقا «یادنامه کیومرث صابری» خرداد ۱۳۸۳، ص. ۵۰.
۱۹. سالنامه گل آقا ۱۳۷۱ «مؤخره»، ص. ۱۶۲.
۲۰. سالنامه گل آقا ۱۳۷۸ «بچه ها و گل آقا»، ص. ۷۲ ستون دوم.
۲۱. سالنامه گل آقا ۱۳۷۸، «گل آقا نهاد؟ مکتب؟ مؤسسه فرهنگی، یا واحد مطبوعاتی؟»، بویک صابری فومنی» ص. ۱۴۷.
۲۲. البته هستند افرادی که مجموعه خود را اهدا نموده (و می نمایند) و توسط کتابخانه به نحوی معرفی شده اند و خواهند شد ولی امیدواریم که دیگر کسانی که دست اندر کار انتشار کتب و نشریات خیز هستند، انتشارات خود را به یادگار برای نسل آینده به این گنجینه ملی اهداء نمایند.
۲۳. از مؤسسه گل آقا که در تهیه لیست انتشارات و سایر اطلاعات مورد نیاز ما همکاری کردند، و همچنین به پاس زحماتشان تشکر می نمایم.
۲۴. هفته نامه گل آقا «یادنامه کیومرث صابری»، خرداد ۱۳۸۳، ش. ۱+۵۶۴، ص. ۳.